

یادداشت

تاریخ: ۹۳/۴/۴ سریال PDN: ۱۴۵۲۲۵ تدوین گر: امیر هوشنگ فتحی زاده

تیتر پیشنهادی: ضرورت توسعه و تسهیل فضای کسب و کار

ضرورت توسعه و تسهیل فضای کسب و کار

بر هیچکس پوشیده نیست که پس از تصویب قوانین و مقررات در مراجع مربوطه موضوع اجرای آنها و در ادامه ضمانت اجرا از عمده مسایل مطروحه می باشد. هنگامی که سخن از چگونگی و ضمانت اجرا به میان می آید، محور اصلی بحث، محاکم صلاحیتدار رسیدگی کننده و آیین و روش رسیدگی خواهد بود.

معمولا بعد از وقوع اختلاف و زمان مراجعه به دادگاه سر و کار ما به دادگاه های عمومی می افتد. مراجع رسیدگی کننده به دعاوی شامل دادگاه عمومی حقوقی، دادگاه عمومی جزایی، دادگاه خانواده و دادگاه اطفال و شوراهای حل اختلاف و دادگاه های تجدیدنظر می باشد که شق اخیر شامل دادگاه های تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور می باشد.

تخصصی و اختصاصی نمودن دادگاه ها در رسیدگی به دعاوی، ضرورتی است که امروزه در جهان مورد توجه قرار گرفته است. این ضرورت گاه برخاسته از اهمیت موضوع دعوی و گاه ناشی از پیچیدگی آن است. نکته قابل توجه این است که در مجموعه محاکم فوق الذکر پیش بینی مناسبی برای رسیدگی به دعاوی تجاری نشده است. در واقع، شکوفایی اقتصادی ملی نیازمند زیرساخت هایی است که قوانین مناسب از جمله آنها است. قوانینی که درعین جذاب و شفاف ساختن محیط کسب و کار بتوانند با در نظر گرفتن خصوصیات داخلی و تحولات و تعامل با اقتصاد جهانی با به نظم کشیدن روابط اقتصادی از حقوق فعالان این عرصه پشتیبانی کند.

اینجاست که برای نیل به فضای مناسب کسب و کار و بهبود و ارتقای آن سخن از محاکم خاص منطبق با این شرایط مطرح می‌گردد.

در این خصوص تبیین و تدقیق معنای دو اصطلاح " دادگاه تخصصی " و " دادگاه اختصاصی " ضروری به نظر می‌رسد. تفاوت دادگاه اختصاصی با دادگاه تخصصی، آنست که دادگاه تخصصی در حقیقت یکی از شعب دادگاه عمومی است که به نوع خاصی از جرایم یا دعاوی رسیدگی می‌کند. همان گونه که ماده ۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، چنین دادگاههایی را پیش بینی کرده است. با این توضیح ماده ۴ مقرر می‌دارد:

" به رئیس قوه قضائیه اختیار داده می‌شود در هر حوزه قضائی که لازم باشد با لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات، هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد " .

دادگاههای اختصاصی برخلاف دادگاههای تخصصی، در مقابل دادگاه عمومی قرار دارند و صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوایی را نداشته مگر اینکه قانون، صلاحیت رسیدگی را به صورت صریح و منصوص به آنها تفویض کرده باشد. در حالی که دادگاه عمومی، صلاحیت رسیدگی به هر دعوایی را دارد مگر اینکه بر اساس نص قانون، رسیدگی به آن از صلاحیت آن خارج شده باشد. از جمله دادگاههای اختصاصی در کشور میتوان به دادگاه های نظامی، دادگاه های انتظامی قضات، دادگاه های انقلاب، دیوان عدالت اداری و دادگاه های ویژه روحانیت اشاره نمود که هر یک به موجب قانون مکلف به رسیدگی به موضوعات خاص می‌باشند.

آنچه مسلم است این است که ویژگی خاص دعاوی تجاری دو نوع الزام را ایجاد می‌نماید. اول اینکه این نوع دعاوی نظر به حساسیتهای مختلفی که دارند مستلزم رسیدگی سریع و فوری بوده و نکته دوم اینکه قضات و دادرسان مربوطه باید از تخصصهای لازم برخوردار باشند. البته اگر چه هم اکنون قضات با صدور قرار ارجاع

امر به کارشناس از تخصص کارشناسان در حوزه‌های مختلف بهره‌مند می‌شوند ولی خود همین امر سبب اطاله دادرسی می‌شود.

همان گونه که از توضیحات فوق بر می‌آید، راه حل اصولی و اساسی ایجاد دادگاههای اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری می‌باشد. اگر چه هم اکنون برخی محاکم دادگاههای عمومی در مجتمع‌های قضایی با نظر ریاست مجتمع به موضوع خاصی اختصاص یافته‌اند ولی این امر نافی این مساله نخواهد بود که ایشان به موضوعات دیگری رسیدگی نکرده، ضمن اینکه کماکان در ایین‌های رسیدگی هنوز مجبور به رعایت قوانین عام ایین دادرسی می‌باشند.

به دیگر سخن اینکه چنانچه این محاکم تحت عنوان محاکم اختصاصی مامور رسیدگی به موضوعات خاص می‌شدند، ضمن اینکه از توان تخصصی قضات متخصص بهره‌مند می‌شدند، امکان توسل به ایین‌های رسیدگی فوری و ویژه برای ایشان بیشتر فراهم می‌بود و همچنین استمرار رسیدگی اجباری ایشان به موضوعات خاص سبب انباشت تجربه و تخصص می‌گردید.

موضوعات تجاری و اقتصادی دارای چنین الزامی می‌باشند. البته مصوبات و قوانین مختلفی وجود دارد که به این موضوع توجه داشته‌اند. از این میان میتوان به قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب شهریور ۱۳۹۱ اشاره نمود که در ماده ۲۲، قوه قضائیه را مکلف به تخصیص شعب خاص در دادگاههای عمومی برای رسیدگی به شکایات ناشی از عدم اجرای تکالیف این قانون کرده است و یا میتوان به مورد اخیر که توسط بانک مرکزی ایران مورد تاکید قرار گرفته اشاره نمود. بانک مرکزی معتقد است انجام مراحل تشریفات قضایی در محاکم برای استفاده از وثائق در وصول مطالبات غیر جاری و فرایند حاکم بر روند صدور حکم در محاکم قضایی، وصول مطالبات معوق را بسیار کند

کرده و لذا با جلب موافقت ریاست قوه قضائیه مبنی بر تشکیل دادگاه های تخصصی، به دنبال سرعت لازم در تصفیه و مالا کاهش مطالبات غیر جاری بانکها می باشد.

البته همانطور که مشهود است تکلیف قانونی مقرر در "قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات" و همچنین توافق قوه قضائیه با بانک مرکزی ناظر به تاسیس شعب تخصصی و نه اختصاصی بوده، در حالیکه به نظر نویسندگان این راهکار وافی به مقصود نبوده و تخصصی کردن شعب اگر چه اماره ای بر حرکت به سوی بهبود می باشد ولی کافی و موثر نبوده و پس از مدتی متحمل نوعی ایستایی و عدم پویایی میشود.

کوتاه سخن اینکه اخیراً در دیدار مسولین قوه قضائیه با مقام معظم رهبری، یکی از نکات قابل توجه در فرمایشات ایشان پرهیز از اطاله دادرسی می باشد که توسل به محاکم اختصاصی یکی از راه حل های این معضل می باشد.

تایید تهیه کننده:	تایید مدیر ذیربط:	تایید حوزه ریاست:	تایید رییس موسسه:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>